



Kardan Journal Law (KJL)

ISSN: 2707-3181 (Print and Online), Journal homepage: <https://kardan.edu.af/KJL>

Misperceptions about the Status of Women in Islam

Khawaja Jamshid Seddiqi and Ashabudin Halimi

To cite this article: Seddiqi, Khawaja Jamshid. and Halimi, Ashabudin. Misperceptions about the Status of Women in Islam, *Kardan Journal of Law*, (2023), 5 (1), 1-17.
DOI: 10.31841/KJL.2023.22

To link to this article: <http://dx.doi.org/10.31841/KJL.2023.22>



© 2023 The Author(s). This open access Article is distributed under a Creative Commons Attribution (CC-BY) 4.0 license.



Published online: 14 December 2023



Submit your article to this journal

تصورات نادرست در مورد جایگاه زنان در اسلام

خواجه جمشید صدیقی و اصحاب الدین حلیمی

چکیده

افغانستان یک جامعه سنتی است و به همین سبب عرف و عنعناتی که در آن وجود دارد در پرتو اصول شریعت اسلامی ارزیابی نگردیده اند، بناءً برخی از عادات و عنعنات مخالف با کرامت انسانی بوده و با شریعت اسلامی در تضاد قرار دارد. بطور مثال زنان به عنوان خون بها داده می‌شوند و به عنوان حفاظت از ناموس بر اساس رواج‌های چون بد یا سوره به نام غیرت (یا ناموس) کشته می‌شوند. در این تحقیق در سدد ارزیابی این پرسش هستیم که آیا این باورها ریشه در دین و مذهب دارد و یا ناشی از عرف و عنعنات جامعه می‌باشد؟ با رویکرد تحقیق کتابخانه، تحلیلی توصیفی-انتقادی به پاسخ این پرسش می‌پردازیم.

واژگان کلیدی: زن، مرد، قرآنکریم، پیامبر ﷺ

مقدمه

در جامعه سنتی افغانستان عرف جایگاه ویژه دارد و بخش بزرگی از روابط اجتماعی انسان بر مبنای قواعد عرفی تنظیم شده است. برخی از این قواعد که ریشه در عنعنات و رسم رواج دارد با مقتضای شریعت متناقض است. زنان حق انتخاب همسر را دارند بناءً نباید مجبور به ازدواج گردند، چه رسد به این که به عنوان خون بها به هدف رسیدن به تفاهم و توافق در یک معامله که پدر و یا برادر وی مرتکب جرم قتل گردیده باشند مورد معامله قرار گیرند. محیط و فضای کلی جامعه طوری بافته شده است که حس برتری را برای مردان فراهم میسازد و به منظور اینکه آنها قادر به تائید و دفاع از موقف برتر خویش باشند با ارایه آیات قرآنکریم،

احادیث نبوی، و واقعات از زندگی صحابه کرام استناد می‌نمایند. در نتیجه آیات و روایات را که بر خلاف تصورات و افکار آنها قرار می‌گیرد در قالب دلخواه خود قرار داده و موقف خود را تقویه می‌کنند و یا هم تأویل نادرست را انتخاب می‌کنند که با روح شریعت در تناقض قرار دارد اما با افکار اینها سازگار است.

در ذیل به بعضی از تصورات نادرست نزد مردان و تحلیل و تجزیه آن در پرتو قرآن کریم و سنت نبوی پرداخته شده است:

1. اینکه زنان نسبت به مردان پایین رتبه اند

تقریباً تمام مردان مسلمان به این عقیده اند که آنها نسبت به زنان برتراند و به این سبب باید در مورد آنچه برای زنان خوب و بد است تصمیم گیرنده باشند، آنان بیشتر اوقات اظهار میدارند که تصمیم آنها در مورد زنان از همدردی و دلسوزی سرچشمه می‌گیرد حتی اگر تصمیم خشن و سخت نیز باشد. این امر هنگام بحث در مورد حقوق زنان از قبیل تحصیل، کار و اشتغال بیشتر رایج و معمول است. به زنان گفته می‌شود که حق انتخاب رشته تحصیلی یا شغلی خود را ندارند، زیرا نمی‌توانند درست انتخاب کنند و بنابر این مردان باید برای آنها انتخاب کنند.

این مفکوره متکی بر استدلال و فهم مردان از آیات ۴:۳۴ قرآن کریم است، جای که کلمه (قوام) مذکور در آیت کریمه به مفهوم (برتر) ترجمه گردیده است. در این صورت ترجمه آیت اینطور میشود: (مردان برتر اند بر زنان از جهت اینکه الله متعال بعضی را بر بعضی برتری داده است و اینکه از مالهای خود بر زنان انفاق می‌کنند).

در حالی که این یک تفسیر نادرست از آیت کریمه است که با آیات دیگر قرآن کریم همخوانی ندارد. بر اساس اصول اولیه تفسیر، یک نص نباید به تنهایی و جدا از نصوص دیگر در عین موضوع تفسیر گردد، بلکه در روشنی نصوص دیگری در موضوع باید طوری خوانده شود که قصد مقنن در آن برآورده شود. در حالیکه واقعیت اینست که اسلام برابری و مساوات مرد و زن را در دیدگاه الله متعال تأیید می‌کند. الله متعال در قرآن کریم اعلام می‌دارد که: (بی

گمان گرامی ترین شما نزد الله متعال پرهیزگار ترین شما است).¹ این آیت نشان میدهد که برتری بر اساس درست کاری و پرهیزگاری است نه بر اساس جنسیت. بنا بر این زن و مرد نزد الله متعال و در برابر قانون یکسانند، کسانی که نیکوترند قطع نظر از جنسیت آنان به الله متعال جل جلاله نزدیکتر اند.

در جای دیگر الله متعال در قرآنکریم تاکید مینماید که تمام انسانان با هم برابر اند: (هر کس خواه زن و خواه مرد، کار نیک انجام دهد و او مومن باشد، البته به زندگی پاک و خوشایند زنده اش می‌کینم و حتماً به نیکوترین آنچه عمل می‌کردند ثوابشان خواهیم داد).² اینجا نیز آیت به وضاحت بیان میدارد که معیار حصول جنت و دست آورد زیبا در آخرت جنس نیست بلکه معیار عقیده و تقوی است.

قابل توجه است که هر چند کلمه (کسی) از نظر زبان شناسی شامل هر دو (مرد و زن) میشود اما قرآن کریم این کلمه را برای دلالت بر زن و مرد کافی ندانسته است بلکه در عوض، آیت صراحتاً کلمات (زن و مرد) را ذکر می‌کند تا اطمینان حاصل شود که در مورد تساوی زن و مرد خلط و ابهام وجود ندارد. بناءً برتری صرف نظر از جنسیت بنده بر اساس تقوی، عقیده درست و تطبیق احکام الله متعال است. این ممکن است که بر اساس اعمال خویش که یک مرد در آخرت مستحق عاقبت خراب گردد و یک زن به سبب اعمال خویش مقام والا را حاصل نماید.

برای پاسخ به دیدگاه طرفداران برتری مردان، باید جزئیاتی ارائه دهیم، در آیتی که بر آن متکی اند کلمه (قوامه) بکار برده شده است که توسط بیشتر علماء به طور ذیل تفسیر گردیده است: (مردان محافظ و نگهدار زنان اند زیرا الله متعال بعضی را بر بعضی دیگر برتری داده است و اینکه از مالهای خود بر زنان انفاق می‌کنند).³

¹ قرآن کریم، ۴۹: ۱۳

² قرآن کریم، ۱۶: ۹۷

³ قرآن کریم، ۰۴: ۳۴

کلمه قوام یا قیم مذکور در آیت کریمه دلالت مینماید به شخصیکه برای محافظت، حمایت، و رفع نیازمندی ها، مسئول اداره و نظارت بر امور یک فرد یا یک سازمان است.⁴ برای رد استدلال بر برتری مردان بر زنان از این آیت کریمه همینقدر کافی است.

تا جای که موضوع برتری ذکر شده در آیت کریمه مطرح است، فعلی که در زبان عربی در آیت ذکر گردیده است (فضل) است، که هیچ گاه به این مفهوم نیست که به برخی از مردم شرافت و عزت برتر عطا گردیده است، بلکه مفهوم آن اینست که الله متعال به یکی از دو جنس یعنی جنس مرد ویژگی های خاصی بخشیده که او را به جنس دیگر اعطاء نکرده است حداقل نه در حد مساوات. بناءً این مرد است که واجد شرایط ادای مسوولیت به عنوان رئیس خانواده است.⁵ این نظر آشکار می سازد که آیت در حد اعظمی خویش نشان دهنده این است که مسوولیت اداره و نظارت از امور نهاد خانواده به دوش مردان گذاشته شده است.

بر علاوه، عالم مشهور هندوستانی وحید الدین خان از آیت چنین استنباط می کند که، کلمه «فضل» در اینجا برای بیان این ذکر گردیده است که «یک خصوصیت اضافی نه برتر»⁶ به مردان اعطا شده است، وی به شرح بیشتر موضوع به طور ذیل می پردازد:

مردان مسوول نگهداری و محافظت زنان اند، زیرا الله متعال برای آنان قوت فزینی بیشتر از زنان را اعطاء نموده است. کلمه عربی (فضیله) در قرآنکریم به مفهوم یک خصوصیت اضافی محافظ بودن مبنی بر قوت فزینی که به مردان اعطاء گردیده است را نشان میدهد، سپس وی این نظریه را به طور پیوسته به عموم متن مورد بحث و استدلال قرار میدهد:

برای اینکه امور خانواده به درستی اداره شود لازم است یک نگهبان و سرپرست داشته باشد، این سرپرستی به آن عضو خانواده به طور درست سپرده میشود که به بهترین وجه واجد شرایط ادای این مسوولیت باشد، یعنی شوهر، زیرا توانایی محافظت آن مزیتی است که به مردان به مقدار بیشتر از زنان اعطاء گردیده است.⁷ او بار دیگر تاکید میکند که آیت برتری مطلق مردان

⁴ مودودی تفهیم القرآن، ۳۵:۰۲

⁵ مودودی تفهیم القرآن، ۳۵:۲

⁶ وحیدالدین خان، زنان در شریعت اسلامی (دهلی جدید: مرکز اسلامی، ۱۹۹۴)، ۶۷.

⁷ هما، ۶۷.

را ذکر نمی کند بلکه تنها دلالت بر این دارد که مرد به سبب خصوصیت اضافی که به وی اعطاء گردیده است سرپرست خانواده تعیین شده است.⁸

بنابر این از نظر او روشن است که مردان بر اساس خواص و صفاتی که در آنها نهاده شده است، مسئولیت اداره خانواده را بر عهده دارند. اگر این نظر با دقت مشاهده شود، بیانگر این است که مردان در شرایط عادی مسئولیت اداره خانواده را به عهده دارند، اما این یک اصل مطلق نیست بلکه گاهی اوقات مردان فاقد استعداد انجام این مسئولیت میباشند در حالی که زنان توانایی برتر در اداره خانه یا مراقبت از خانواده را می داشته باشند.

زنان افغانستان نمونه ای در قهرمانی اند که در مقام مادر، خواهر، همسر، دختر، بزرگ قریه و گاهی منحیث عضو جرگه (مجلس بزرگان) ابراز شجاعت کرده اند. در شرایط افغانستان، عجیب است که دختران و زنان جوان اغلباً به عنوان انسان های کمتر و درجه دوم دیده می شوند، اما وقتی این زنان پیر و مو سفید می شوند، در تصمیم گیری مورد مسائل جدی مردان با آنان مشارکت می کنند، مردان نیز نیازمند مشوره آنان بوده خود را متعهد به جویا شدن نظریات آنان میدانند. قابل بحث است اگر زنان کمتر و حقیر اند، قطع نظر از سن باید همواره با آنان بر اساس همین مفکوره رفتار می شد اما دیده می شود که اینطور نیست. پس رفتار با زنان در جامعه افغانستان به بیماری و سقم موجود در ذهنیت و فکر اشاره دارد، از این رو نشان می دهد که چنین رفتار مبتنی بر رسوم و عنعنات است و هیچ اساس شرعی ندارد.

در مورد (برتری یکی بر دیگری) بجا خواهد بود که نگاهی بر آیت دیگری از قرآنکریم انداخته شود تا سبک کاربرد کلمه فضل بطور بهتر درک شود، الله متعال در قران کریم میفرماید: (و در زمین قطعه های کنار هم و باغهایی از انگور و کشتزارها وجود دارد و درختان خرما چه از یک ریشه و چه از غیر یک ریشه که همه با یک آب آبیاری میشوند اما برخی را از لحاظ طعم و لذت بر برخی دیگر بهتر برای خوردن قرار می دهیم، یقیناً در این نشانه ایی است برای کسانی که می اندیشند).⁹

⁸ همان، ۶۷.

⁹ قران کریم، ۱۴:۰۴

با اینکه در این آیت نیز عین فعل و کلمه بکار برده شده است اما هیچ یکی از مفسرین قرآن کریم از این آیت برتری یک میوه بر دیگری را استنباط نکرده است، بناءً آیتی که ارتباط میان زنان و مردان را توضیح می‌دهد نیز در مفهوم سرپرستی نه برتری مردان بر زنان گرفته خواهد شد.

همچنان، قرآن کریم بیان می‌دارد: (آنچه را که الله سبب فضیلت بعضی شما بر بعضی دیگر قرار داده است تمنا نکنید، برای مردان از آنچه خود کسب کرده اند سهمی است و برای زنان از آنچه خود کسب کرده اند سهمی است).¹⁰

این آیت نیز در مورد (فضل) یا (بخشش) که برای بعضی اعطاء گردیده است سخن می‌گوید، در آن اشاره است به فضل که به زنان اعطا شده نه به مردان و بالعکس. این آیت در پاسخ زنانی است که برای اشتراک در جهاد و حصول اجر آن تمنا مرد بودن را داشتند همچنان آیت در پاسخ مردانی است که خود را مستحق اجر دو مرتبه بیشتر از زنان میدانستند. منطق آنها این بود که چون در میراث سهم آنان دو چند سهم زنان است بناءً باید پاداش اعمال نیک آنان نیز دو برابر پاداش زنان در عین عمل باشد. آیت به هر دوی آنها دستور می‌دهد که به آنچه که به هر دوی آنان اعطا گردیده است راضی باشند و نه باید در آروزی چیزهائی باشد که از سوی الله متعال به برخی اعطاء می‌گردد و به برخی نه.

این آیه از دو بعد قابل بررسی است. دیدگاه اول در بالا مورد بحث قرار گرفت و آن برابری زن و مرد در نزد خداوند است. دیدگاه دوم نیز برای درک نقش زن و مرد حیاتی است، زنان بشر اند که خداوند متعال آنها را بطور کامل به همین شکل با ویژگی ها، نقش ها و مسئولیت هایی که به عنوان یک زن دارند، آفریده است. مردان نیز بشر اند که خداوند متعال با صفات، نقش ها و مسئولیت هایی آفریده است که به عنوان مرد از آن برخوردار اند.

بنابراین آنها دو بسته کامل اند که از حقوق و تعهداتی برخوردارند که برای هر دوی آنها تعیین شده است. این دیدگاه در آیه فوق تأیید می شود، که از زنان و مردان خواسته شده که موهبه های که خداوند به برخی آنها نسبت به برخی دیگری ارزانی نموده است هوس نکنند. دیدگاه اول در قسمت آخر آیه مورد تأیید قرار گرفته است که می فرماید: «مردان را از آنچه به دست

¹⁰ قرآن کریم، ۰۴: ۳۲

آورده اند بهره ای است و زنان را نیز از آنچه بدست آورده اند بهره است» و بنابراین هر دوی آنان در نظر قانون با نقش ها و مسئولیت هایی که لازم نیست یکسان باشد با هم برابر اند.

بحث فوق ثابت می نماید که زنان و مردان از نگاه بشر بودن با هم برابر اند بناءً در نظر الله متعال نیز برابر اند. آیت در مورد (قوامیت) مردان بیان می نماید که مردان منحصی سرپرست و تنظیم کننده امور خانواده عمل مینمایند، با این هم زنان در هنگام نیاز و در صورت توانایی از انجام این وظیفه ممنوع و مستثنی نیستند. این آیت هنگامی که با آیات دیگر در عین محتوی ارزیابی شود به هیچ وجه برتری مردان بر زنان را تثبیت نمی نماید. بناءً استنباط یک قاعده از یک یا چند آیت بسنده نیست بلکه لازم است با مطالعه همه متون مرتبط با موضوع مورد بحث و نظریه پردازی گردد و یک تفسیر و یک اصل را استنباط کرد.

۲. اینکه زنان دارای کمبود ظرفیت فکری و عقلانی اند

مردان اغلب اوقات اظهار میدارند که زنان دارای ظرفیت فکری و عقلانی کمتری اند، برای این ادعای خود بر حدیث پیامبر ﷺ اتکاء میکنند که به یک گروهی از زنان فرموده اند: (من تا به حال غیر از شما کسی را با هوش و دینداری کاهش یافته ندیده ام که قلب مردانی را که دارای فکر قوی اند بی جا نماید. یک زن پرسان نمود: ای پیامبر الله! از هوش و دین ما چه کاهش یافته است؟ آنها فرمودند آیا شهادت یک زن نصف شهادت یک مرد شمرده نمی شود؟ ان زن گفت: بلی، پیامبر ﷺ: این کاهش از هوش است، در ادامه فرمودند: آیا زنان در هنگام عادت ماهوار نماز و روزه را ترک نمی نمایند؟ آنها بر اثبات جواب دادند پس پیامبر ﷺ فرمودند: همین کاهش در دینداری است).¹¹

ظاهراً پیامبر ﷺ به آیت قرآن کریم اشاره کرده اند که خداوند متعال در مسائل معاملات مالی به مسلمانان دستور می دهد تا (شاهدی از جمله مردان را گواه بگیرید و اگر دو مرد در دسترس نبودند، آنگاه یک مرد و دو زن از شاهدانی که بر آن موافق هستید، تا اگر یکی از آن دو زن فراموش کرد دیگری به او یاد آوری کند).¹²

¹¹ صحیح بخاری، کتاب ۵۲، روایت شماره ۲۲.

¹² قرآن کریم، ۲: ۲۸۲.

این حدیث باید در روشنی محتوی و پس زمینه آن درک و ارزیابی شود، پیامبر ﷺ این سخنان را در موقع عید در حالی که بعد از ایراد خطبه عمومی به مردم، بطور خصوصی با گروهی از زنان صحبت میکرد گفته اند. بدیهی و آشکار است که پیامبر ﷺ در چنین مناسبت شاد زنان را طعنه نخواهد زد بلکه یا با آنها با روحیه لطیف و خوش طبعی هم کلام بودند و یا هم آنها را به تأمل در خویش و خود انتقادی تشویق می نمودند. قابل توجه است که هر دو دلایل ارایه شده یعنی اعتبار شاهدی زن من حیث نصف شاهدی مرد و ترک نماز و روزه تحت شرایط مخصوص ناشی از تقصیر زنان نیست بلکه این دستور خود الله متعال است که کاهش مسوولیت را نشان میدهد و هیچ ربطی با کمبود عقل یا کمبود دینداری ندارد.

قابل ذکر است که شاهدی دادن حق نیست بلکه تعهد و مسوولیت است زیرا عین آیت دستور میدهد که (شاهد نباید از ادای شاهدی هنگام احضار امتناع ورزد)، بنا براین زنان طبق معمول آن زمان علاقمند تعیین شدن من حیث شاهد در معاملات مالی نبودند، چون آنان مسوولیت های دیگری را به دوش داشتند بناءً از تعیین شدن من حیث شاهد و احضار شدن در محکمه اجتناب می ورزیدند. علاوه بر آن زنان در زمان پیامبر ﷺ به داد و ستد و معاملات مالی بیشتر سروکار نداشتند، نتیجتاً در حسابداری و امور مالی مهارت قابل ذکری نداشتند، پس علت تعیین شاهد دومی همین است که اگر یکی آنان تفصیل معامله را فراموش نماید دومی وی را یاد دهانی نماید. علاوه بر این، آیت دیکته میکند که اگر یکی از زنان فراموش کند دیگر وی را یاد آوری نماید، ولی اگر یکی فراموش نکند و در ارایه شاهدی مرتکب اشتباه نگردد و معامله را طوری که واقع شده بیان نماید، پس چه؟ در چنین حالت شاهدی وی دقیقاً مانند شاهدی مرد من حیث شاهدی کامل قابل اعتبار است. اخیراً در سایر مسایل غیر مالی مانند مسایل خانوادگی نیز شاهد زن کامل و مانند شاهدی مرد قابل قبول است.

با در نظر داشت موارد فوق، واقعه روایت شده از پیامبر ﷺ بیان گر این نیست که زنان بی تقوا، بی بند و بار، بی اعتنا و دارای نقص در امور دینی اند، بلکه به این معناست که زنان

نسبت به مردان و ظایف و فرایضی دینی کمتری دارند.¹³ بناءً بهتر است کلمه نقصان به معنی کاهش ترجمه شود نه به معنی کمبود.

قابل ذکر است که دومین بیشترین تعداد روایات احادیث (تقریباً ۲۲۱۰ حدیث) توسط زنی به نام عائشه رضی الله عنها - مادر مومنان و همسر پیامبر ﷺ - روایت شده است، وی ۹ سال را تحت رهنمایی و مربیگری پیامبر ﷺ و تقریباً ۴۷ سال را بعد از وفات او در ابلاغ آنچه از وی دیده و شنیده بود به مسلمانان سپری نمود.

ما باید از خود پرسیم: آیا اگر او به عنوان یک زن ظرفیت فکری ناقصی میداشت، این وظیفه عظیم به او سپرده میشد؟ آیا اگر به عنوان یک زن ظرفیت عقلانی او قابل اعتماد نمی بود، از او خواسته می شود که اسلام را آن گونه که از پیامبر ﷺ فهمیده و آموخته است، به دیگران منتقل نماید؟ اگر او به عنوان یک زن نسبت به مردان از توانایی ذهنی ناقصی برخوردار بود، چگونه می توان به ۲۲۱۰ روایتی که او منتقل کرده است اعتماد کرد؟ در حالی که در علم حدیث راویان فراموشکار ذکر گردیده و اعتبار روایت آنها زیر سؤال است اما تمام روایات عائشه و بطور عموم تمام راویان زن بدون اختلاف و تردد قابل اعتماد اند.

بر علاوه این، وی پس از رحلت پیامبر ﷺ اولین مفتی و مفسر بود. در تعلیم و آموزش و اصلاحات اجتماعی نقش فعال داشت و تقریباً در حدود ۲۰۰ دانش آموز بشمول ابو هریره، ابو موسی الاشعری، عبدالله بن عباس، عبدالله بن زبیر رضی الله عنهم را آموزش داد.¹⁴ چگونه یک انسان ناقص عقل می تواند به ۲۰۰ مرد آموزش دهد، بیشتر کسانی که ما برای فهم اسلام و تفسیر قرآن به آنها تکیه می کنیم؟

موارد فوق بیانگر این است که اگر گفته شود که زنان از دیدگاه فکری و عقلانی کمبود دارند شاید اعتبار تمام روایات را که از عایشه رضی روایت کرده است تضعیف کند که منجر به قطع

¹³ Reconciling the Prophetic Hadith Citing Women as Inferior to Men - The Muslim Vibe (Last accessed: 23.02.2023)

¹⁴ Inspiring Muslim Women: Aisha bint Abu Bakr (RA) | Muslim Memo (Last accessed: 23.02.2023).

ارتباط ما با دوران پیامبر ﷺ گردد، از همه مهمتر هدفی را که پیامبر ﷺ برای حصول آن با عایشه رضی الله عنها در سن کوچک ازدواج کرده بود بیهوده و ضایع گرداند.

۳. زنان با مردان برابر نیستند زیرا آنها از قبرغه مرد خلق شده اند

برای اینکه به اثبات برسانند که زنان در طبیعت و فطرت خویش دارای کمبود و نقص اند برخی از اشخاص اظهار می‌نمایند که زنان از قبرغه مرد خلق شده اند، و تمایل دارند با این طریق ثابت نمایند که زنان نمی‌توانند با مردان برابری کنند زیرا آنها از یک طرف مرد پایین تر از سر وی خلق شده اند بناءً نباید در مستوی برابر با مرد ایستاد شوند، اتکا بار دیگر نیز به احادیث است که به پیامبر ﷺ منسوب است. در یکی از این احادیث پیامبر ﷺ میفرماید: با زنان رفتار نیکو و خیر داشته باشید زیرا آنان از قبرغه خلق شده اند.¹⁵

اول، قابل ذکر است که این حکایت خلقت زن از قبرغه مرد در انجیل پیدایش در رابطه با خلقت حوا نیز ذکر گردیده است، گفته میشود: خداوند خواب عمیق را بر آدم فرود آورد و او خوابید، پس او یکی از قبرغه های وی را گرفت و گوشت را بجای آن بست، و از آن قبرغه زن را ساخت و نزد آن مرد آورد، آدم گفت: این حالا استخوانی از استخوان من و گوشتی از گوشت من است و او زن نامیده خواهد شد زیرا از مرد گرفته شده است.¹⁶ بناءً این یک موضوع شرعی نیست، و به عنوان اینکه یک روایتی از کتاب مقدس است استناد بر آن قابل اعتبار نیست.

دوم، منطقی تقاضا آنرا دارد که این حدیث نباید به مفهوم این‌که واقعا زنان از قبرغه خلق شده اند گرفته شود زیرا جمله (با زنان با نیکویی رفتار کنید) به این (واقعیت) هیچ ارتباط ندارد که زنان از قبرغه خلق شده اند، بلکه این یک استعاره است در مفهوم اینکه زنان مانند قبرغه اند بناءً با آنان باید با دقت رفتار کرد، این توضیح در روایت دیگری نیز تأیید می‌شود که پیامبر اکرم ﷺ می‌فرماید: «زن مانند قبرغه است که اگر کوشش کنی آن را راست کنی می‌شکند»

¹⁵ صحیح بخاری، روایت شماره ۳۳۳۱.

¹⁶ انجیل، پیدایش، ۲۱-۲۳

بناء هر دو عبارت «زنان از قبرغه آفریده شده اند» و «زنان مانند قبرغه» اند با عبارات مختلف به عین معنی دلالت میکنند.

در یک روایت دیگری از ابوهریره روایت است که پیامبر ﷺ فرموده اند: شما را به نیکی با زنان توصیه می نمایم، زیرا زن از قبرغه آفریده شده اند و بالاترین نقطه آن همان منحنی ترین قسمت آن است. اگر سعی کنید آن را راست کنید، آن را می شکنید. اگر آن را همانطور که هست رها کنید، خمیده می ماند. پس شما را به نیکی با زنان توصیه می نمایم».¹⁷

در این حدیث پیامبر ﷺ قصد ندارد که زنان را تحقیر و یا نسبت به مردان آنان را پست نشان دهند، بلکه تصریح می کند که زنان فطرتاً لطیف هستند بناء سعی نکنید تغییری را به آنها تحمیل کنید که مبدا اعتماد، اطمینان و احترام آنان را نسبت به خویش بشکنید. بنابراین باید با آنها با مهربانی رفتار کرد و اگر کسی میخواید با آنان تعامل نماید باید با لطف و ظرافت این کار را انجام داد زیرا تندی و شدت باعث شکستن آنها می شود، همانطور که کوشش به راست کردن قبرغه آنرا میسکند.

علاوه بر این، هیچ روایت اشاره نمی کند که حوا از قبرغه آدم آفریده شده است، بلکه، همه روایات درباره زن یا نوع زن صحبت می کنند، بناء معلوم میشود این عبارت بطور کنایه و مجاز است.¹⁸ قرآن کریم زمانیکه از آفرینش انسان بحث می کند، تصریح می کند که «انسان از عجله آفریده شده است»¹⁹ و اعتقاد بر اینکه عجله چیزی مادی یا جوهری بوده که انسان از آن آفریده شده است غیر عقلانی خواهد بود. بلکه این اشاره به صفتی در ذات او است. همین امر در مورد روایات مربوط به خلقت زنان از قبرغه نیز صادق است زیرا در این روایات اشاره به ماهیت لطافت در طبیعت او است و نه چیز دیگر.

این مفهوم از مطالعه و ارزیابی تمام متون مربوط به چگونگی تعامل و سلوک با زنان استنباط گردیده است، بنابر این قوی تر از مفهوم هر متن انفرادی است که باید مورد ترجیح قرار گیرد.

¹⁷ محمد بن اسماعیل البخاری، الجامع الصحیح، روایت شماره ۳۱۵۳ و صحیح مسلم روایت شماره ۱۴۶۸

¹⁸ ابو حیان الاندلسی، البحر المحیط فی التفسیر (بیروت: دارالفکر، ۱۴۲۰ ش)، ۳: ۴۹۴.

¹⁹ قرآن کریم، ۲۱: ۳۷

۴. مردان حق دارند زنان را مجازات فیزیکی نمایند

خشونت علیه زنان در افغانستان یک پدیده بسیار رایج است. واقعیت این است که خشونت در جوامع اسلامی به عنوان حق مرد در زدن و مجازات فیزیکی زن یک امر عادی و قابل قبول تلقی می‌گردد. در مورد افغانستان محرومیت و ناامیدی در مردان و ماهیت قبیلوی جامعه زمینه را برای خشونت بی بند و بار علیه زنان فراهم کرده است.

این یک عمل غیر اسلامی است زیرا در قرآن کریم الله متعال می‌فرماید: «با آنان به طریقه نیک و پسندیده زندگی کنید، حتی اگر آنها را دوست ندارید زیرا چه بسا چیزی را خوش ندارید مگر الله متعال در آن خیر و برکت بسیاری گذاشته است».²⁰

بنابراین، حتی اگر مردی از برخی خصوصیات یا رفتارهای همسرش بیزار باشد، باید خونسردی خود را حفظ کند و با او با مهربانی رفتار کند. روایتی از پیامبر ﷺ موضوع این آیه را بیشتر روشن می‌سازد و می‌فرماید: «هیچ مرد مومن از زن مومن متنفر نباشد، اگر عادت او برایش ناخوشایند باشد، عادت دیگری در وی پیدا می‌کند که خوش آیند باشد».²¹

با انگیزه ازدواج همین نوع گرایش و طرز برخورد سازگار است، خداوند متعال می‌فرماید: «از نشانه‌های او این است که برای شما از جنس خودتان همسرانی آفرید تا در کنار آن‌ها آرامش یابید و میان دل‌های شما محبت و رحمت قرار داد».²² ازدواج اساس ایجاد عاطفه و محبت میان همسران است، که متکی بر احترام و ترحم متقابل میان آنهاست. در حالیکه خشونت مانع ایجاد و رشد محبت و بقای احترام است.²³

طرفداران خشونت علیه زنان یا کسانی که معتقدند شوهر حق دارد همسرش را مجازات بدنی نماید به آیه قرآن کریم استناد می‌کنند: «و زنانی که از نافرمانی آنان (در حقوق همسری) بیمناکید باید نخست آنان را موعظه کنید و (اگر مطیع نشدند) از خوابگاه آنان دوری گزینید و (اگر باز مطیع نشدند) آنان را به زدن تنبیه کنید، چنانچه اطاعت کردند دیگر راهی بر آنها

²⁰ قرآن کریم: ۱۹:۰۴

²¹ صحیح مسلم، کتاب الرضاع، ۲: ۱۰۹۱

²² قرآن کریم، ۳۰:۲۱.

²³ مودودی، حقوق الزوجین (لاهور: Islamic Publications Ltd، ۱۹۷۲)، ۲۳-۲۱.

مجویید، که همانا خدا بزرگوار و عظیم الشأن است».²⁴ مودودی در تفسیر این آیت می‌گوید: این به این معنا نیست که مرد باید به یکباره به این سه اقدام متوسل شود، بلکه ممکن است که در صورتی ان اقدامات به کار گرفته شود اگر زن رفتار لجباجت آمیز داشته باشد²⁵ یا در تضاد شدید با شوهر واقع شود.

این آیت کریمه به موارد استثنایی (نشوز) یا جرم بغاوت و سرکشی زن علیه اصول عقد ازدواج می‌پردازد، ابن کثیر توضیح می‌دهد که در صورت وقوع نشوز یا بغاوت، شوهر موظف است با زن صحبت کند و موضوع را با او در میان بگذارد تا نقطه اختلاف میان هر دو حل و رفع گردد. از آنجایی که رابطه زناشویی مبتنی بر محبت بین زوجین است، گفتگو با حسن نیت موضوع را حل می‌کند. در صورتیکه زن سلوک و روش خود را تغییر ندهد و همان رویه خود را ادامه دهد، شوهر با جدا کردن جای خواب عدم رضایت خویش را از سلوک زن اظهار میدارد. این مرحله ممکن است تا چهار ماه طول بکشد، زیرا عدم برقراری رابطه فیزیکی بیش از چهار ماه با توجه به منظور ایذای روانی وی، ایلاء شمرده میشود.²⁶

زوجه در این مدت مفهوم جدا کردن جای خواب را میداند با این حال هم اگر رفتار او مانند بغاوت و نشوز متخاصمانه باقی می‌ماند، در این صورت قرآن کریم اصطلاح زدن را منحیث یک نشانه اظهار کننده نهایت خشم، و وسیله برای حصول هدف آگاه ساختن زن از شدت وضعیت و احساسات بدی که در قلب شوهرش ایجاد شده است، بکار می‌برد، نه اینکه زدن در ذات خود هدف است.²⁷ اما این را نباید اجازه ارتکاب خشونت علیه زوجه تلقی کرد، زیرا مبنای ازدواج، مهربانی و محبت است، خشونت، ضرب و شتم، به هر میزان و شکلی که باشد، باعث تضعیف این رابطه می‌شود، و رابطه محبت و مهربانی را نمی‌توان میان مجرم و قربانی وی توقع داشت.

²⁴ قرآن کریم، ۰۴: ۳۴.

²⁵ مودودی، تفهیم القرآن، ۲: ۳۶.

²⁶ ایلاء عبارت از قسم شوهر است در خصوص ترک آمیزش با همسر خود بدون کدام عذر موجه، برای تفصیل ببینید،

مودودی، حقوق الزوجین، ۳۴-۳۸.

²⁷ مودودی، حقوق الزوجین، ۴۵-۴۸.

برای حمایت از این ادعا، ما باید به آیات و روایاتی نگاه کنیم که به شوهران دستور داده شده است تا با همسران خویش به درستی، توجه و محبت رفتار کنند. خداوند متعال می فرماید: «و از نشانه های او این است که برای شما همسرانی از جنس خودتان آفرید تا در کنار آن ها آرامش یابید و میان (قلب های) شما محبت و رحمت قرار داد، همانا در آن نشانه هایی است برای کسانی که تدبر می کنند.»²⁸

عبدالله بن عمرو رضی الله عنه روایت می کند که پیامبر ﷺ فرموده اند: «بهترین شما کسانی اند که با زنان خویش در تعامل بهترین باشند»²⁹. همچنین از ابن عباس روایت شده است که پیامبر ﷺ فرموده اند: «بهترین شما کسانی هستند که برای زنان خویش بهتر اند».³⁰ مقدم بن معدیکرب در روایت دیگری از پیامبر ﷺ نقل کرده است که فرمود: «تاکیداً! خداوند شما را به نیکی با زنان امر می کند، هر آینه خداوند شما را با نیکی با زنان امر می نماید، زیرا آنها مادران، دختران (خواهران) و خاله های شما اند.»³¹

امام عطاء، مفسر برجسته قران کریم نقل کرده است، که وی از ابن عباس در رابطه با معنای اصطلاح (زدن) بکار رفته در قران کریم پرسید، ابن عباس جواب داد تادیب نمودن خانم با استفاده از مسواک یا وسیله مانند آن. این بدان معناست که شوهر حق زدن خانم یا وارد نمودن خشونت علیه او را ندارد، حتی در حالتی که زن شرایط ازدواج را زیر پا بگذارد. بنابر این، وضعیت در افغانستان خلاف دستورات اسلامی است زیرا شوهران معتقدند که حق دارند زنان خود را برای هر آنچه که مناسب و صلاح می دانند «مجازات» کنند. آیات و روایات ذکر شده در بالا روشن می کند که با همسران باید با احترام، توجه و محبت رفتار کرد، بنا بر این ضرب و شتم و خشونت علیه آنها روح و مقصد ازدواج در اسلام را نقض می کند.

به طور مشابه در روایتی دیگری پیامبر ﷺ به مسلمانان فرمان می دهد که فرزندان خود را در سن هفت سالگی به اقامه نماز تشویق نمایند، و به رسیدن آنان به سن ده سالگی آنان را بزنند.

²⁸ قران کریم، ۳۰: ۲۱

²⁹ سنن ابن ماجه، شماره حدیث، ۱۹۷۸

³⁰ المستدرک علی الصحیحین، شماره حدیث ۷۴۰۷

³¹ المعجم الکبیر، ۶۴۸

در این روایت نیز کلمه زدن به کار رفته است، اما طبق اصول ثابت شریعت، نماز خواندن بر طفل ده ساله واجب نیست. بنابراین، فهمیده می شود که این بخشی از تربیت کودک است و استعمال کلمه (زدن) تنها نشان دهنده خشم والدین است نه جواز مجازات نمودن طفل. عین اصول در مورد زوجه ای که سرسختانه با شوهر در حالت طغیان باشد صدق می کند.

امام ابن عابدین شامی، عالم برجسته حنفی، معتقد است که شوهران در صورت بدرفتاری با همسرشان باید به صورت تعزیری مجازات شوند.³² در حالی که برخی دیگر از فقها استدلال میکنند که زدن زوجه ممنوع است. ابن کثیر مفسر مشهور قرآن کریم در پایان تفسیر خود با ذکر حدیثی از پیامبر ﷺ که میفرماید: «بندگان خدا را نزنید» به مردان توصیه می کند که زنان خود را نزنند. همچنین برخی از زنان نزد پیامبر اکرم ﷺ آمدند و از رفتار شوهران خود، و زدن آنان شکایت کردند. پیامبر ﷺ فرمودند: زنان زیادی به خانه من مراجعه کرده اند و از شوهران خود شکایت کرده اند. یقیناً! این مردان از جمله بهترین شما نیستند.³³ مودودی، از جمله علمای معاصر، می گوید: «پیامبر ﷺ هر گاه به مردی اجازه می داد که همسرش را مجازات فیزیکی نماید، او این کار را با مجبوری و بی میلی می کرد و همچنان بطور مداوم از آن بیزاری خود را اظهار می کرد.»³⁴

۵. زنان ساخته عواطف و احساسات اند بنائاً ضعیف اند

اعتقاد عمومی بر این است که زنان سرشار از احساسات هستند، در حالی که احساسات انسان را ضعیف می سازد، بنابر این زنان ضعیف هستند. بر اساس این ادعا مردم معتقدند که نمی توان نقشی در وظایف کلیدی چون قوه قضائیه، دولت و سیاست گذاری یا سایر کارهای جدی و خطیر را به زنان واگذار کرد، زیرا زنان عاطفی و ضعیف هستند. این بحث از دو جنبه قابل اعتراض است. اولاً؛ بطور علمی ثابت نشده است که زنان نسبت به مردان احساساتی

³² سعاد جوزف، افسانه نجم آبادی (ویرایش)، دایره المعارف زنان و فرهنگ های اسلامی (Cultures (np: Brill

122Academic Publishers, 2003),

³³ سنن ابی داوود، روایت شماره ۲۱۴۶

³⁴ مودودی حقوق زوجین، ۳۴-۳۸

تر هستند.³⁵ واقعیت این است که زن و مرد هر دو عاطفی هستند و احساسات خود را با درجات متفاوتی نشان می دهند. هم مرد و هم زن هنگام مواجهه با موقعیت های خطرناک احساس ترس می کنند و هر دو وقتی فرزندشان بیمار است نگران می شوند.

اگرچه، درجه نگرانی و اضطراب که هر دوی آنها احساس می کنند و آنرا اظهار می نمایند متفاوت است. این با همان طرح و برنامه که خداوند متعال برای هر دو طراحی کرده است مناسب است. اگر هر دو به یک اندازه ابراز نگرانی و ترس می نمودند، نمی توانستند به درستی امور زندگی خویش پیش ببرند. در صورت بیماری فرزند، اگر پدر و مادر هر دو احساس نگرانی نمی کردند، ممکن است فرزند جان خود را از دست میداد. بنابراین، نگرانی که مادر ابراز مینماید مفید برای حفظ جان فرزند وی موثر است.

ثانیاً عاطفی بودن یا احساساتی بودن به معنای ضعیف بودن نیست. طبیعت زنان به گونه ای است که همزمان نقش های متعدد را ایفاء مینماید. بنابراین، هنگامی که یک زن به عنوان دختر در مقابل پدر رفتار می کند متفاوت تر عمل کند نسبت به زمانیکه نقش مادر، همسر یا خواهر را ایفاء میکند. در هر یک از این نقش ها رفتار و نگرش او متفاوت است، او قادر به این است که رویکرد و نگرش خود را تغییر دهد. بنابراین او در مقام مادری می تواند طبق توانایی اعظمی خود برای محافظت از فرزندش مبارزه کند. در حالیکه او در مقام دختر بودن یا همسر بودن نیازی به اظهار این نوع احساسات را ندارد.

طوریکه قبلاً توضیح داده شد، مشکل این نوع استدلال ها این است که ظرافت طبیعت و لطافت فطرت زنان با ضعف آنان اشتباهاً خلط می گردد. زنان موجودات ظریفی هستند که خداوند متعال به عنوان یک شخصیت کامل آنها را خلق کرده است که برای درک صفات و ویژگی های آنها نباید با مردان مقایسه شوند. بحث در مورد اینکه شب بهتر از روز است یا بالعکس درست نیست زیرا هر کدام نکات مثبت و منفی و ویژگی های خاصی خود را دارند.

³⁵ سارا فیلدینگ، علی رغم کلیشه های ریشه دار فرهنگی، زنان احساساتی تر از مردان نیستند. دسترس آنلاین در: <yaftehaymptalعات: زنان احساساتی تر از مردان نیستند،(verywellmind.com)> (آخرین دسترسی: 28/02/2023).

وحید الدین خان این نکته ظرافت را با این استدلال توضیح می دهد، که چشم یک عضو نازک و حساس بدن است که باید با ملایمت و احتیاط با آن رفتار کرد، بر خلاف ناخن که در صورت لزوم می توان آن را کوتاه و یا سوهان کرد. اما بدین معنا نیست که چشم در برابر ناخن ضعیف و کمتر است. هدف از این مثال روشن کردن تفاوت میان ناخن و چشم است. تفاوت های متمایز میان زن و مرد نیز واقعیت های بیولوژیکی تثبیت شده اند، بنابراین، او استدلال می کند، که قوانین مربوط به آنان در اسلام بر همین واقعیت ها اساسی استوار است که زن و مرد از دو جنس متفاوت اند.³⁶

نتیجه

تجزیه و تحلیل مباحث فوق الذکر و واقعیت بیانگر آن است که زن و مرد با هم برابرند و از يك منبع زاده شده اند، حقوق و وظایف یکسانی دارند اما حقوق و تکالیف هر یک آنان برحسب موقعیتی که در آن زندگی می کنند، مختلف خواهد بود. ضمناً این اعتقاد که مرد از لحاظ دینداری یا توانایی فکری بر زن برتری دارد، شرعی نیست. همچنین این ادعا که زنان از استخوان قبرغه مردان آفریده شده اند. بناءً حقیر هستند و مردان حق اعمال مجازات بدنی و ایدای آنها را دارند نیز نادرست و بیجا است. در نهایت، این تصور که زنان به دلیل احساساتی بودن ضعیف هستند بدعت است، نه متون دینی و نه هم تجربیات ساینسی آن را تأیید می کنند.

About the Author

Mr. Khawaja Jamshid Seddiqi, Dean Faculty of Law, Kardan University, Kabul Afghanistan.

<j.seddiqi@kardan.edu.af>

Mr. Ashabudin Halimi, Lecturer, Faculty of Social Sciences, Kardan University, Kabul Afghanistan.

<a.halimi@kardan.edu.af>

³⁶ وحید الدین خان، زنان در شریعت اسلامی (دهلی جدید: مرکز اسلامی، ۱۹۹۴)، ۹.